

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حقیقت‌گرایی



عمر بن ابراهیم خیامی، فردی است که اندیشه‌های فلسفی و علمی وی در زمان حیات او بروز نموده و مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته، و در نتیجه، شایسته آن همه تمجید و تعظیم شده است، تا آن جا که کلمه «امام» و «حجة الحق علی الخلق» را درباره وی به کار برده‌اند، اما رباعیاتی که دارای محتوا و مضامین پوچ‌گرایی و بی‌اساس دیدن جهان هستی است، پس از مرگ وی در میان مردم رواج یافته است. این نظریه، اگرچه به کار بردن کلمات مذکور را در زمان عمر بن ابراهیم به خوبی توجیه می‌کند که مردم از رباعیات او با محتویات پوچ‌گرایی و بی‌اساس بودن جهان هستی، آگاه نبودند، ولی مسئله تضاد در شخصیت او را حل و فصل نمی‌کند، زیرا روحیه فیلسوفانه همراه با عقاید الهی و مذهبی، نمی‌تواند با پوچ‌گرایی سازگار باشد.



تحليل شخصيت خيام

بررسی آراء فلسفی، ادبی، مذهبی و علمی عمر بن ابراهیم خیامی

محمد تقی جعفری



مؤسسه تخصصی نشر و کتاب علامه جعفری

Muhammad Taghi Ja'fari

تحلیل شخصیت خیام

بررسی آراء فلسفی، ادبی، مذهبی و علمی عمر بن ابراهیم خیامی

نویسنده: محمد تقی جعفری

سرشناسه: جعفری تبریزی، محمد تقی، ۱۳۰۲-۱۳۷۷.
عنوان و نام پدید آور: تحلیل شخصیت خیام: بررسی آراء فلسفی، ادبی، مذهبی و علمی عمر بن ابراهیم خیامی / محمد تقی جعفری. مشخصات نشر: تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۳۴۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۰۸-۲۱-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
یادداشت: چاپ قبلی: کیهان، ۱۳۶۵، (۳۶۵ ص).
موضوع: خیام، عمر بن ابراهیم، ۴۳۲-۵۱۷ ق. -- نقد و تفسیر
موضوع: خیام، عمر بن ابراهیم، ۴۳۲-۵۱۷ ق. رباعیات -- نقد و تفسیر
موضوع: شعر فارسی -- قرن ۵ ق. -- تاریخ و نقد
شناسه افزوده: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری
رده بندی کنگره: ۳۱۳۹۲ ت ج ۳ / PIR ۴۶۳۵
رده بندی دیویی: ۲۲ / ۱۸
شماره کتاب شناسی ملی: ۳۴۰۲۰۹۲

چاپ: چاپ و طرح امروز
چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۲
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۶۶۰۸ - ۲۱ - ۴
قیمت: ۱۸۰۰۰۰ ریال

بازبینی: عبدالله نصری - علی جعفری -
ساراشاهسون
تنظیمات رایانه‌ای: رؤیا عزیز موسوی
طراح جلد: سعید عجمی
مشاور هنری: حسام صادقی

تهران / فلکه دوم صادقیه
بلوار کاشانی / خیابان حسن آباد
کوچه ۴ / پلاک ۲۲ / طبقه دوم
تلفن: ۰۲۱-۴۴۰۹۱۰۴۲/۴۴۰۰۵۴۵۳
نمابر: ۰۲۱ - ۴۴۰۷۰۲۰۰

کلیه حقوق نشر مکتوب
و الکترونیک برای این مؤسسه
محفوظ است.

WWW.ostad-jafari.com

Info@ostad-jafari.com

نمایه مطالب

پیشگفتار	۹
مقدمه‌ای بر تحلیل شخصیت فلسفی، علمی، مذهبی و ادبی عمر بن ابراهیم خیامی	۱۳
شخصیتی پیچیده در برابر محققان و داوران قرون و اعصار	۲۳
تحلیل شخصیت عمر بن ابراهیم خیامی	۳۱
بررسی شخصیت عمر بن ابراهیم خیامی در ابعاد هشت‌گانه	۳۹
۱- بُعد علمی	۳۹
۲- بُعد فلسفی	۳۹
۳- بُعد شهودی	۴۰
۴- بُعد اخلاقی	۴۱
۵- بُعد حکمی	۴۳
۶- بُعد ادبی	۴۳
۷- بُعد عرفانی	۴۴
۸- بُعد مذهبی	۴۴
تقب «امام» برای خیامی	۴۵
آیا خیامی از ابوالعلاء معری متأثر بوده است؟	۵۱
تناقضات صریح در اندیشه‌های ابوالعلاء معری	۵۵
۱- تناقض در اثبات و نفی ابدیت	۵۵
۲- تناقض در صحت و بطلان مذهب و رسالت رسولان	۵۹
دیدگاه فلسفی عمر بن ابراهیم خیامی	۶۹
یک - وجود خداوند احتیاج به علت ندارد	۶۹
دو - موجودات جهان هستی واقعیت دارند	۷۲
سه - جریان فیض وجود از خداوند بر موجودات	۷۳
چهار - تقدّم در خلقت به ملاک اشرفیّت است؛ تقدّم موجود اشرف، در خلقت، به دیگر موجودات	۷۵
پنج - تضادی که منشأ بروز عدم که منشاء شرّ است، مخلوق بالذات الهی نیست	۸۲
آیا به راستی در جهان هستی واقعیتی به نام شر وجود دارد؟	۸۴
شش - تکلیف، دستور صادر از سوی خداوند متعال است برای تحریک انسان‌ها در مسیر کمالات	۸۶

- هفت - ضرورت بعثت انبیا و بیان صفات آنان ۸۹
- هشت - سه منفعت مهم با اوامر و نواهی الهی و نبوی ۹۲
- آغاز و انجام کتاب‌های علمی و فلسفی عمر بن ابراهیم خیامی ۹۵
- مسائلی دیگر درباره روحیه مذهبی عمر بن ابراهیم خیامی ۱۰۳
- مقدمه‌ای بر تحلیل و ارزیابی فلسفی و علمی رباعیات ۱۱۵
- علت جذبات رباعیات منسوب به خیامی ۱۲۹
- آیا اصالت با جذبات یا با واقعیت و حقیقت است؟ ۱۳۴
- ارزش علمی و فلسفی رباعیات منسوب به خیامی ۱۳۹
- بررسی و تقدیر اول از رباعیات ۱۴۱
- حقیقت هستی مجهول است، خود را برای کشف آن خسته نکنید! ۱۴۱
- بررسی رباعیات ۱۴۴
- بررسی، تحلیل و تقدیر دوم از رباعیات ۱۵۹
- می‌دانم ولی نمی‌گویم! ۱۵۹
- بررسی، تحلیل و تقدیر سوم از رباعیات ۱۶۳
- آیا عقل و خرد و اندیشه ضرورت دارد؟ ۱۶۳
- ۱- تحلیل و نقد رباعیات مثبت ۱۶۵
- ۲- تحلیل و نقد رباعیات منفی ۱۶۸
- ۳- تحلیل و نقد رباعیات مبهم ۱۷۵
- بررسی، تحلیل و تقدیر چهارم از رباعیات ۱۷۷
- نمی‌بینیم، پس نیست، یا قابل اثبات نیست! ۱۷۷
- بررسی، تحلیل و تقدیر پنجم از رباعیات ۱۸۱
- انکار یا تردید در ابدیت ۱۸۱
- نگاه رباعیات به ابدیت ۱۸۶
- بررسی، تحلیل و تقدیر ششم از رباعیات ۱۹۱
- چون آغاز عالم را نمی‌بینم، پس این عالم بی‌نهایت است! ۱۹۱
- بررسی، تحلیل و تقدیر هفتم از رباعیات ۱۹۷
- پوچ‌گرایی (نیپیلیسم) و هیچ‌اندیشی ۱۹۷
- «هیچ» در این رباعیات چه معنایی دارد؟ ۲۰۲
- بررسی، تحلیل و تقدیر هشتم از رباعیات ۲۱۵
- چون در این دنیا به کام خود نمی‌رسیم، پس نباید دنیا را جدی گرفت! ۲۱۵

۲۱۷	عمومیت احساس ناکامی در زندگی و تفسیر آن
۲۲۱	بررسی، تحلیل و تقدگروه نهم از رباعیات
۲۲۱	فلسفه و هدف زندگی چیست؟
۲۲۳	«خدا» در مجموع رباعیات منسوب به عمر بن ابراهیم خیامی
۲۲۵	معاد در رباعیات
۲۲۵	قضا و قدر و جبر ماورای طبیعی در رباعیات
۲۲۶	روح مجزّد در رباعیات
۲۲۹	عوامل نفی یا تردید در فلسفه و هدف زندگی
۲۳۰	رباعیات و فلسفه و هدف زندگی
۲۴۷	بررسی، تحلیل و تقدگروه دهم از رباعیات
۲۴۷	جبر و اضطرار در آمدن به این دنیا و رفتن از آن
۲۵۷	بررسی، تحلیل و تقدگروه یازدهم از رباعیات
۲۵۷	قضا و قدر، و نفی هرگونه اعتقاد و پذیرش مسئولیت در زندگی
۲۶۱	۱- غم و شادی طبیعی محض
۲۶۱	۲- غم و شادی روانی
۲۶۲	۳- غم و شادی روحانی عالی
۲۶۳	رابطه قضا و قدر با اختیار
۲۷۵	بررسی، تحلیل و تقدگروه دوازدهم از رباعیات
۲۷۵	حرکت و فنای موجودات و گذشت عمر و محو شدن زیباییها
۲۸۶	دو دیدگاه در حرکت و تحوّل
۲۸۷	بررسی، تحلیل و تقدگروه سیزدهم از رباعیات
۲۸۷	حال که دگرگونیها همه چیز را از ما خواهد گرفت، پس خود را تخدیر کنیم!
۲۹۳	بررسی، تحلیل و تقدگروه چهاردهم از رباعیات
۲۹۳	پس خود را مشغول کنیم و تخدیر و دم را غنیمت بشماریم!
۲۹۹	دم را غنیمت بشماریم یعنی چه؟
۳۰۵	ادامه بررسی، تحلیل و تقدگروه دوازدهم از رباعیات
۳۱۵	حرکت و تحوّل از دیدگاههای گوناگون
۳۱۵	۱- دیدگاه علمی محض
۳۱۶	۲- دیدگاه فلسفی
۳۱۶	۳- دیدگاه شهودی
۳۱۹	۴- دیدگاه عرفان مثبت

۳۲۱	بررسی، تحلیل و تقدرباعیات متفرقه
۳۲۱	۱- به مقدار ضرورت حیات بکوشید
۳۲۱	۲- دنیا غمخانه است
۳۲۸	۳- عدالت وجود ندارد، زیرا اهل فضل در دنیا در رنج به سر می‌برند!
۳۲۹	۴- گوینده یا گویندگان رباعیات، از نظر خویشتن
۳۳۳	نمایه آیات
۳۳۵	نمایه روایات
۳۳۷	نمایه نام‌ها
۳۴۳	نمایه کتاب‌ها

هو العظیم

پیشگفتار

خیام نیشابوری در تلقی ایرانیان، شاعری است بزرگ که توانسته است با سرودن رباعیاتی معدود، جایگاهی بزرگ برای خود کسب کند. میزان اشعار او در مقایسه با دواوین شاعرانی چون فردوسی، مولوی، سعدی، صائب تبریزی و ... اندک بوده و اصلاً قابل مقایسه نیست. خیام با همین اندک شعر و سخن، مکتبی به نام خود ثبت نموده و شهرت جهانی پیدا کرده است. هم‌چنین، می‌توان گفت وی یکی از متفکرانی است که توانسته است در ریاضیات کارهای مبنایی انجام دهد و به قول برتراند راسل ریاضی‌دانِ نامی انگلیسی: در دوران تمدن اسلامی، تنها خیامی در ریاضیات مؤسس بوده است. آنچه به این شهرت افزوده، عبور شعر و سخن خیام از مرزهای ایران و رسیدن آن به زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر است. این اتفاق، با ترجمهٔ رباعیات خیام توسط فیتز جرالِد روی داد و پس از آن بود که خیام با طلوعی دوباره، حیاتی دیگر را آغاز کرد و زمانی که به مشرق‌زمین و خور ایران بازگشت، به گونه‌ای دیگر بازگشت. پس از آن، متفکرین سؤال می‌کردند: آیا این خیام نیشابوری، همان است که از هفت قرن پیش در فرهنگ ایران حضور داشته است؟ آیا تصویری که مغرب‌زمین از خیام ارائه می‌کند، با تصویر واقعی حکیم عمر خیام هماهنگ و مطابق است؟ آیا آنچه روشنفکران تحت عنوان فلسفهٔ خیام ارائه می‌کنند، از آن اوست و می‌توان آن را به خیام نسبت داد؟ آیا آن چه پوچ‌گرایان و نیست‌انگاران از قول خیام می‌خوانند و می‌گویند، به واقع، در خیام بوده است؟ آیا خیام نیشابوری همان است که رباعیات او نقل و روایت می‌کنند؟

گذشتِ زمان، نه تنها پاسخی به این پرسش‌ها تدارک ندید، بلکه بر ابهام‌ها و ابهام‌ها هم‌چنان افزوده شد و کم‌کم خیام نیشابوری به عنوان شاعری که از زبان سرخوردگان و اندیشه‌گریزان سخن می‌گوید، مشهور و به جوامع معرفی شد.

با گذشت زمان، موضوع ابعاد تازه‌تری به خود می‌گرفت، چرا که از یک سو بر تعداد رباعیات خیام افزوده می‌شد و مضامین تازه‌ای در قالب‌های شعری و فکری خیامی طرح می‌شد، و از سوی دیگر، همراه با تفسیرهایی محیرالعقول، در میان جوانان بسط می‌یافت. از همه اینها عجیب‌تر، انفعال روشنفکران بود که نه تنها پرسشی در این باره طرح نمی‌کردند، بلکه از نوع مواجهه آنان پیدا بود که آن سنخ تفکرات را به عنوان واقعیت پذیرفته‌اند. مجموعه این مسائل، الزام می‌کرد که تحقیقاتی دقیق و گسترده صورت بگیرد و ابهام‌ها و مجهول‌ها برطرف شود. در حقیقت، مسائل به وجود آمده، اقتضا می‌کرد که چندین پژوهش و تحقیق جامع و مانع صورت بگیرد تا معلوم شود آیا این رباعیات رو به ازدیاد، همه از آن خیام است؟ آیا می‌توان میان این رباعیات، با توجه به شکل و محتوای آنها، تمایز و تفاوت قایل شد؟ روشن بود که این بخش از کار، نیازمند پژوهش‌های تاریخ‌شناسانه و زبان‌شناسانه دقیق بود که متأسفانه در دهه‌های گذشته انجام نشد. گذشته از این جنبه، آن چه اهمیت بسیاری داشت، بررسی مفهوم و محتوای رباعیات بود تا معلوم شود پیام آن اشعار خوش‌خوان و کوتاه چیست و آیا می‌توان آن چه را که به عنوان تعریف زندگی، هستی، انسان، جهان، خدا و معنا ارائه می‌کنند، به عنوان حقیقت پذیرفت و ملاک عمل قرار داد؟

در کتابی که اینک از نظر شما می‌گذرد، استاد محمدتقی جعفری از این زاویه به بحث و تحقیق پرداخته و دیدگاه‌های خود را به صراحت بیان کرده است. نخستین موضوعی که درباره این کتاب لازم به توجه و تأملات چندباره است، زمان نگارش آن است که در سال ۱۳۵۵ شمسی صورت گرفته است. در موقعیت یادشده، اثر حاضر نخستین پژوهشی بود که بررسی مضامین و محتوای رباعیات خیام را بر عهده گرفت، اما این که تا چه حد از عهده برآمده، امری است که محتاج قضاوت و داوری

اندیشمندان معاصر است.

در کتاب حاضر، نویسنده علاوه بر بررسی رباعیات منسوب به خیامی، مفاهیم مهم اشاره شده در اشعار را، هم چون: وجود خداوند، تضاد، عقل، تردید در ابدیت، ازلیت جهان، پوچ‌گرایی و هیچ‌اندیشی، فلسفه و هدف زندگی، قضا و قدر و حرکت و تحول بررسی نموده و با برخی ابیات مولوی مقایسه نموده و هم‌زمان با شاخص‌های قرآنی تبیین کرده است.

بی‌تردید، محمدتقی جعفری با قایل شدن به وجود چندین خیام یا خیامی، حساب سراینده رباعیات را از «امام»، «حجة الحق علی الخلق»، «سید حکماء المشرق و المغرب»، «نصرة الدین» و «غیاث الدین» خیام نیشابوری جدا می‌کند و با تأمل در آثار ریاضی و فلسفی او، شأن او را اجل از آن می‌داند که شعرهایی در مسیر و مذاق اهل لذت و پوچی و خوش‌باشی بسراید.

به دیگر سخن: محمدتقی جعفری چهره کم‌نظیر حکمت و ادب عمر بن ابراهیم خیامی را از انتساب او به پوچ‌گرایی، لذت‌گرایی و هیچ‌اندیشی زدوده، این فرصت را برای دانش‌پژوهان و حقیقت‌طلبان فراهم کرده است تا به طور تطبیقی نظرات کلامی دوران تمدن اسلامی را مشاهده کنند.

شیوه نویسنده در این کتاب، رویکرد عقلانی و پرسش‌محور است و با طرح سؤالاتی بنیادین سعی می‌کند تا مخدوش بودن مضامین مطرح شده را در بسیاری از رباعیات آشکار کند. روشن است که این نوشتار، گامی بوده که در مسیری سخت و دشوار برداشته شده است. این مسیر هم‌چنان گشوده است و امید که اندیشمندان معاصر، گام‌های بعدی را با قدرت بیشتری بردارند تا حقیقت به وضوح نمایان شود.

با انتشار این اثر، که در بسامان شدن خود، وامدار تلاش‌ها و درنگ‌ها و تأمل‌های دوستانی چند است، از خانم‌ها: زهره محمدعلی و ربابه رفیع‌زاده سپاس‌گزاری ویژه به عمل می‌آوریم. امید می‌بریم که اهل تحقیق، از زوایا و خبایای این بحث‌ها، به فراسوی راه ببرند که در اعماق هر یک از آنها نهفته است.

در پایان، این مؤسسه از هر نوع نقد و نظری پیرامون این اثر استقبال نموده، امیدوار است که تلاش‌هایش مورد رضایت خداوند و مورد توجه اصحاب فضل و دانایی قرار بگیرد.

بمّنه و فضله و کرمه

موسسه تبیین و نشر آثار علامه محمدحسین



مقدمه‌ای بر تحلیل شخصیت فلسفی، علمی، مذهبی و ادبی عمر بن ابراهیم خیامی

تاکنون درباره شخصیتی مشهور به نام عمر بن ابراهیم خیامی، تحقیقات فراوانی انجام گرفته است. این تحقیقات، همه ابعاد شخصیت خیامی را که مهم‌ترین آنها عبارتند از: فلسفه، علم، مذهب و ادب، در بر نمی‌گیرد. می‌توان گفت آنچه در گذشته بیش از همه ابعاد گوناگون این شخصیت، مورد توجه و تحقیق قرار گرفته، بُعد علمی او، خصوصاً ریاضیات بوده که به چهره خیامی درخشندگی علمی خاصی داده است. اما از بُعد فلسفی و مذهبی، این شخصیت نه تنها مورد تحقیق و بررسی لازم و کافی قرار نگرفته، بلکه متأسفانه استقراء رباعیات و بحث در تعداد آنها را بدون دقت در محتویات و مضامینی که رباعیات در بر دارد، کافی دیده و دیدگاه فلسفی و مذهبی خیامی را به وسیله رباعیات معرفی کرده‌اند.

باید کاملاً توجه داشت که آنچه موجب شهرت بسیار گسترده خیامی در دوران‌های متأخر شده، همان است که پرده ابهامی بر چهره این شخصیت کشیده شده است، زیرا عامل شهرت وی در دوران‌های اخیر، رباعیاتی است که بیشتر آنها را به تدریج، در طول قرون و اعصار به او نسبت داده و در زمان اخیر، به وسیله شاعری انگلیسی به نام ادوارد فیتز جرالده به انگلیسی، و در پی آن، به چند زبان زنده دنیا ترجمه شده است. چون که تعدادی از این رباعیات مشتمل بر مضامین لذت‌پرستی، پوچ‌گرایی و بی‌اساس

تلقی کردن هستی و قوانین و مبادی آن است، و بنا به ناسازگاری با عقاید فلسفی و مذهبی وی، شخصیت او در پرده ابهام قرار گرفته است. البته نباید این نکته فراموش شود که شخصیت خیامی برای محققان و صاحب نظرانی مهم است که به چهار بُعد فلسفی، علمی، مذهبی و ادبی، و آن قسمت از بُعد ادبی او که حاوی مضامین پوچ‌گرایی و بی‌اساس‌اندیشی هستی و لذت‌پرستی است، آگاهی دارند، نه برای نویسندگان حرفه‌ای و مطالعه‌کنندگان معمولی که جز چند قطعه رباعی در هم و بر هم از نظر معانی ولی جالب و تسلیت‌بخش برای عقب‌ماندگان از کاروان تلاشگر معرفت و تکلیف، اطلاع دیگری از خیامی ندارند، زیرا همین رباعیات برای ساده‌اندیشان و مطالعه‌کنندگان عادی، بدون ارزیابی فلسفی و علمی درباره آنها، چهره روشنی را از خیامی نشان می‌دهد. به عبارتی آسان‌تر: آنان عمر بن ابراهیم خیامی را با همین رباعیات می‌شناسند و یقین دارند که خیامی همین است! و اگر به آنان گفته شود: آیا این فرد که دیدگاه فلسفی و عقاید مذهبی و روش علمی مهمی داشته است، نباید با دیگر ابعاد نیز مورد مطالعه قرار بگیرد؟ به سرعت این پاسخ را خواهند داد که: «شما بهتر می‌فهمی یا ادوارد فیتز جرالده؟ شما بهتر می‌فهمی یا فلان نویسنده حرفه‌ای، که ابوالعلاء معری را فیلسوفش می‌سازد، تا وقتی اهل نظر آنان را مخاطب قرار دادند و گفتند: پاسخ سؤال‌های اساسی «از کجا آمده‌ام؟ برای چه آمده‌ام؟ به کجا می‌روم؟» را چگونه به دست آورده‌اید، ابوالعلاء را پیش بکشند و بگویند: شما بهتر می‌فهمی یا ابوالعلاء؟»

ما در تحقیق و ارزیابی فلسفی، علمی و احساسات ادبی رباعیات منسوب به عمر بن ابراهیم خیامی را در چهار گروه مهم می‌بینیم:

دسته یکم - دارای مضامین و محتویاتی درباره بی‌وفایی دنیا و سرعت گذشت سالیان عمر و منتهی شدن همه طراوت‌ها و شادابی‌های حیات است که به پژمردگی و افسردگی می‌انجامد. چنان که در مباحث تحقیق و ارزیابی رباعیات گفتیم، این یک جریان طبیعی است که در جهان طبیعت برقرار است و کتب آسمانی، خصوصاً قرآن، و

سخنان امیرالمؤمنین در **نهج البلاغه** و دیگر حکما و صاحب نظران و عرفا، آن را با شکل‌های گوناگون طرح نموده و مردم را از پرستش زرق و برق دنیا و مطلق‌گرایی دربارهٔ نمودهای فریبندهٔ دنیا برحذر داشته و «وسيله» بودن آنها را گوشزد نموده‌اند.

دستهٔ دوم - رباعیاتی است که محدودیت علم و معرفت انسانی را با نامحدود بودن واقعیات جهان هستی بیان می‌کند. این دسته از رباعیات هم، چه سرایندهٔ آنها عمر بن ابراهیم خیامی باشد و چه اشخاص دیگر، حقیقتِ انکارناپذیری را در بر دارد که در تحقیق و ارزیابی رباعیات، به طور مشروح بررسی خواهیم کرد.

دستهٔ سوم - رباعیاتی است که لذت‌پرستی و خوش‌باشی (هدونیسیم) را ترویج نموده، و مَشرَبِ اَپیکور را توصیه می‌کند. بعضی از این رباعیات، دارای مضامینی مفید است، مانند دور کردن مردم از احساس دلتنگی و فشار و برخورداری از لذایذ مشروعی که خداوند متعال به انسان‌ها بخشیده است، ولی مقدار مهمی از آنها لذت را هدف حیات یا عامل تخدیر و ناهشیاری دربارهٔ واقعیات هستی معرفی می‌کنند.

دستهٔ چهارم - رباعیاتی است که از نظر عقل سلیم و فلسفه‌ای که خود خیامی بر مبنای آن می‌اندیشیده، نامعقول است و آن، همان رباعیاتی است که پوچ‌گرایی (نیپیلیسم) و بی‌اساس بودن هستی را ترویج می‌کند، مانند:

زان پیش که غم‌هات شبیخون آرند فرمای که تا بادهٔ گلگون آرند
تو زر نه‌ای ای غافل نادان که تو را در خاک نهند و باز بیرون آرند

دستهٔ سوم و چهارم از رباعیات، با توجه به سه موضوع بسیار مهم در شخصیت خیامی، تناقض آشکاری نشان می‌دهد که به هیچ وجه حل‌شدنی نیست. این سه موضوع عبارتند از:

- ۱- تفکرات فلسفی وی که در مباحث آینده بررسی خواهیم کرد. خیامی در آنها یک عقل‌گرای قاطع و معتقد به الهیات و ابدیت و نبوت و قانونی بودن مبادی هستی است.
- ۲- به کار بردن کلماتی که دارای مفاهیم ارزشی و معنوی بسیار ارزشمند در حق این شخصیت است، مانند: «امام»، «حجة الحق علی الخلق»، «سید حکماء المشرق و

المغرب»، «نصرةالدين»، «غياثالدين»، و امثال این کلمات که به کار بردن آنها در شخصیت یک شاعر پوچ‌گرا (نیپیلیست) و لذت‌گرا و سرخوش (هدونیست) نادرست است.

۳- بروز عقاید و دریافت‌های مذهبی در آثار فلسفی و مقدمات کتاب‌های علمی او، به اضافه مضامین عالی که در ترجمه و شرح خطبه ابن سینا آورده است و داستان زمان وفات او و مضامین بسیار عالی در بعضی از رباعیاتش. همه این مطالب را در مباحث آینده به تفصیل بیان خواهیم کرد.

بدیهی است که این امور سه‌گانه، با روحیه لذت‌پرستی و پوچ‌گرایی و به شوخی گرفتن اصول و مبانی و هدفداری جهان هستی به هیچ وجه سازگار نیست. این سه موضوع، با توجه به رباعیات پوچ‌گرایی موجب شده که بگوییم: اگر این فیلسوف و ریاضی‌دان، همان عمر بن ابراهیم خیامی است که هم به او امام، و هم حجة الحق علی الخلق، سید حکماء المشرق و المغرب، حکیم‌الدنیا و فیلسوفها، نصره‌الدين و غياث‌الدين گفته شده، شخصیتی است بسیار مشهور، ولی دارای هویتی مجهول! بنابراین، بروز عقاید متنوع در تفسیر چنین شخصیتی، امری کاملاً طبیعی است. ما در این مبحث به چند عقیده یا احتمال متصور درباره او اشاره می‌کنیم:

یک - عمر بن ابراهیم خیامی انسانی چند شخصیتی است؛ به این معنی که او در هستی‌شناسی با تفکرات فیلسوفانه‌ای حرکت می‌کند که معتقد به اصالت و عظمت حیات وابسته به هستی‌آفرین است و هم‌چنین، با یقین به واقعیت جهان هستی و قوانین جاری در آن، که از حکمت عالی خداوندی به وجود آمده، و در مسیری می‌اندیشد که خالق هستی تعیین فرموده است، ولی از دیدگاه ادبی و ذوقی و نگرش او به سطوح ظاهری هستی، جهان و اصول حاکمه بر آن، پایه و اساسی ندارد و هدفی را دنبال نمی‌کند.

عقیده و یا نظریه یکم، قطعاً نادرست است، زیرا دیدگاه ادبی که بیان زیبای واقعیات را بر عهده دارد، نمی‌تواند به بهانه ذوق‌پردازی، وحدت واقعیات را مخدوش و

مختل و در هم و بر هم نموده، برای بشریت کاریکاتوری ضدّ واقعیات بکشد، و آن‌گاه سطوحِ ظاهریِ هستی و اصول حاکمه را نمی‌توان از دیگر سطوح و مبانی هستی تجزیه نموده، در سطوح ظاهری و قوانین حاکمه بر آن پوچ‌گرا باشد و در سطوح عمیقِ هستی و مبانی آن، یک فیلسوف قاطع. مثلاً آن ذهن و روانی که پذیرفته است:

خداوندا! مردم را زبان گویا دادی که اگر پاکیزه گرداند به علم حق و عمل خیر، مانند ملائکه گردد و ثواب یابد ... آفریدگارا! ما تو را جوییم و تو را پرستیم و از تو خواهیم؛ توکل بر تو کنیم که آغاز همه چیزها از توست و بازگشتن همه چیزها به توست.^۱

چنین ذهن و روانی نمی‌تواند با گستاخی بگوید:

اجزای پیاله‌ای که در هم پیوست بشکستن آن روا نمی‌دارد مست
چندین سر و پای نازنین و سر و دست از مهر که پیوست و به کین که شکست

البته اگر شخصیت خیامی فقط دارای عنصر دانش و ریاضیات حرفه‌ای و معمولی بود و بینش هستی‌شناسی نداشت، ممکن بود که بتوان آن‌گونه چند شخصیتی (شخصیت ادبی شگاک، لذت‌پرست و شخصیت علمی محض) را به او نسبت داد، ولی بینش فلسفی و هستی‌شناسی، چنان که شامل معرفت به همه کلیات و مبادی و معانی هستی است، هم‌چنین همه سطوح و ابعاد مغز و روان را زیر سیطره خود دارد. بنابراین، تجزیه شخصیت یا چند شخصیتی در این‌گونه انسان‌ها نامعقول است. آری، این چند شخصیتی را، چنان که بعدها خواهیم دید، درباره ابوالعلاء معری صدق می‌کند، زیرا او نه حکیم است و نه فلسفه می‌داند و نه کسی او را شایسته کلمه «امام» و «حجة الحق علی الخلق» تلقی کرده است.

دو- عمر بن ابراهیم خیامی، مردی است فیلسوف و دانشمند کاملاً مذهبی، و نسبت دادن رباعیاتی با مضامین پوچ‌گرایی و لذت‌پرستی به این شخصیت بزرگ، دروغ محض است، بلکه آن‌گروه از رباعیات را شعرای دیگر سروده و به ایشان نسبت داده شده است. سه- با توجه به تفکرات فلسفی و علمی قاطعانه و معتقدات مذهبی از یک سو، و

۱- ترجمه و شرح خطبه ابن سینا، نقل از کلیات آثار / ۴۱۶.

مطالب پوچ‌گرایی و لذت‌پرستی که در رباعیات دیده می‌شود، از سوی دیگر، و با توجه به نسبت دادن بعضی رباعیات دیگران به خیامی، به این نتیجه می‌رسیم که ما با شخصیتی که هم فیلسوف الهی و هم ریاضی‌دان است و هم لذت‌پرست و پوچ‌گرا رویاروی نیستیم، بلکه با توجه به دوران اخیر، دو یا سه شخصیت به نام‌های خیام و خیامی مشهور شده‌اند:

الف - عمر بن ابراهیم خیامی که گاهی خیام هم به او گفته شده است. این شخص، فیلسوفی معتقد به الهیات و ریاضی‌دانی بوده که رباعیاتی هم می‌سروده است.

ب - خیام، علی بن محمد بن احمد بن خلف خراسانی ملقب به علاءالدین. او راست دیوانی به فارسی با شعر بسیار، که در خراسان و آذربایجان مشهور است.^۱ به تعدد شخصیت مورد بحث، محمد شفیع بک از مصر و شنیدر از ایتالیا نیز اشاره کرده‌اند. آقای محیط طباطبایی در مقاله‌ی مربوط به خیام می‌گوید: «عبدالله محمد خیام ثالثی در مازندران که به سال ۴۱۰ هجری وفات یافته ...»

البته باید تحقیقات کافی درباره‌ی آثار ادبی «خیام»‌های دیگری که معرفی شده‌اند، انجام شود تا روشن گردد که آیا آنان نیز رباعیاتی سروده‌اند؟ یا اگر سروده‌اند، از نظر معنی چگونه بوده، و آیا آنها با رباعیات خیام آمیخته شده است یا نه؟

چهار - به استثنای رباعیات معقول که به اتفاق صاحب نظران از عمر بن ابراهیم خیامی بوده، یا نسبت آن رباعیات به او، معتمایی در شخصیت وی به وجود نمی‌آورد، بقیه‌ی رباعیات از یک شاعر نبوده، بلکه شعرای متعددی آنها را سروده‌اند و دیگران آنها را بنا به شباهت در سبک و دیگر ابعاد ادبی، یا بنا به اغراض دیگر، به عمر بن ابراهیم خیامی فیلسوف و ریاضی‌دان نسبت داده‌اند. مرحوم دهخدا می‌گوید:

غالباً می‌دانند که بسیاری از رباعیات عمر خیامی منسوب به اوست، و فی الواقع از او نیست، بلکه از شاعران دیگر چون خواجه عبدالله انصاری و سلطان ابو سعید ابوالخیر و خواجه حافظ و غیر آنها می‌باشد. ژوکوفسکی قریب ۸۲ رباعی از رباعیات منسوب به

۱- لغت‌نامه‌ی دهخدا، حرف خ ۹۷۸، به نقل از معجم‌الالفاظ، ج ۴/ ۱۷۶، نسخه‌ی دکتر مصطفی جواد، به نقل از احمد حامد صراف در کتاب عمر خیام.

خیامی را با اسماء شعرای آنها به اسم و رسم از کتب متفرقه جمع کرده است و اگر کسی تتبع بیشتر کند، البته بیشتر اکتشاف خواهد نمود.^۱

این نکته را باید یادآور شویم که قطعاً آن دسته از رباعیاتی که سروده‌ی خواجه عبدالله انصاری و سلطان ابو سعید ابوالخیر است، از سنخ رباعیات پوچ‌گرایی و لذت‌پرستی نیست، زیرا دو شخصیت یادشده، از عرفای نامی و شخصیت‌های معنوی جوامع اسلامی هستند و آنان هرگز نمی‌توانند رباعیاتی بسرایند که بر خلاف روحیه‌ی معرفتی و سلوک عرفانی آنان باشد. هم‌چنین، با زمینه‌ی فکری و عرفانی که از خواجه حافظ می‌شناسیم، اگرچه از نظر تقید به عرفان در همه‌ی اشعارش مانند دو شخصیت دیگر نیست، ولی نسبت دادن رباعیاتی که دارای مضامین پوچ‌گرایی و لذت‌پرستی محض و بی‌اعتنایی به هستی وابسته به هستی‌آفرین هستند، به شخصیتی مانند حافظ نیز صحیح به نظر نمی‌رسد، وگرنه همان چند شخصیتی درباره‌ی حافظ نیز احتمال داده خواهد شد.

پنج - شاید زمان سرودن رباعیات، غیر از دوران اندیشه‌های فلسفی عمر بن ابراهیم باشد؛ بدین ترتیب که رباعیات را در دوران جوانی سروده و اندیشه‌های فلسفی، علمی و مذهبی او، پس از جوانی آغاز شده است؛ نظیر آنچه در ترتیب تألیفات ابن سینا گفته شده است:

الاشارات والتنبيهات، خصوصاً نمط‌های آخر این کتاب که درباره‌ی عالی‌ترین مسائل روح و عرفان است، جزو آخرین تألیفات ابن سینا در آغاز دوران پیری او بوده است.

این احتمال، بر مبنای قاعده‌ای است که معمولاً انسان‌ها با گذشت دوران جوانی و سپری شدن روزگار احساسات و جست و خیزهای فکری، به واقع‌گرایی روی می‌آورند و با شنیدن صدای بسیار لطیف و جدی که می‌گوید: «تو ای انسان! نمی‌توانی بگویی نیستی و چون نمی‌توانی بگویی نیستی، پس نمی‌توانی بگویی بیهوده هستی، زیرا دریافت صحیح وجود، دریافت حکمت عالیّه آن را در بر دارد.» این احتمال هم بعید به

۱- همان، حرف «خ»، پاورقی / ۹۸۰.

نظر می‌رسد، زیرا بعید است متفکری ژرفاندیش مانند عمر بن ابراهیم به چنان دگرگونی شخصیتی و روانی شدید دچار شود که دو نگرش متضاد در ذهن او پدید آید و هیچ یک از آن دو بر دیگری تأثیر نگذارد. وانگهی، اگر چنین انقلابی در چنان شخصیتی واقعیت داشت، در تاریخ معرفت مورد توجه قرار می‌گرفت؛ چنان که درباره انقلاب درونی احوال حکیم سنایی، جلال‌الدین محمد مولوی و غزالی مشاهده می‌کنیم. علاوه بر این، از خود عمر بن ابراهیم هم کمترین اشاره‌ای درباره انقلاب مذکور دیده نشده است. این احتمال که شاید دوران فلسفی و مذهبی در زمان جوانی وی بوده، و رباعیات پوچ‌گرایی و لذت‌پرستی را در روزگار پیری سروده است، بعیدتر به نظر می‌رسد، زیرا اگر چنین تحولی در وی ثابت شده بود، هرگز کلماتی مانند «امام»، «حجة الحق علی الخلق» و «سید حکماء المشرق و المغرب» درباره او به کار نمی‌بردند.

ش - شخصیت مورد بحث و تحقیق، فردی است که اندیشه‌های فلسفی و علمی وی در زمان حیات او بروز نموده و مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته، و در نتیجه، شایسته آن همه تمجید و تعظیم شده است، تا آن جا که کلمه «امام» و «حجة الحق علی الخلق» را درباره وی به کار برده‌اند، اما رباعیاتی که دارای محتوا و مضامین پوچ‌گرایی و بی‌اساس دیدن جهان هستی است، پس از مرگ وی در میان مردم رواج یافته است. این نظریه، اگرچه به کار بردن کلمات مذکور را در زمان عمر بن ابراهیم به خوبی توجیه می‌کند که مردم از رباعیات او با محتویات پوچ‌گرایی و بی‌اساس بودن جهان هستی، آگاه نبودند، ولی مسئله تضاد در شخصیت او را حلّ و فصل نمی‌کند، زیرا روحیه فیلسوفانه همراه با عقاید الهی و مذهبی، نمی‌تواند با پوچ‌گرایی سازگار باشد. علاوه بر این، آیا به کار بردن کلمه «امام»، «حجة الحق علی الخلق» و امثال این القاب معنوی والا، پس از انتشار رباعیات منسوب به وی قطع شده است یا نه؟ اثبات این مسئله به تحقیقات تاریخی دقیق نیازمند است.

در نهایت، اگر تحقیقات لازم و کافی اثبات کند که عمر بن ابراهیم خیامی فیلسوف و ریاضی‌دان که عقاید مذهبی و رفتار عالی داشته، غیر از آن خیامی است که رباعیاتی

در پوچی و لذت‌پرستی و بی‌اساس بودن هستی سروده است، یا این که با تکیه به دلایل اطمینان‌بخش اثبات شود که رباعیات پوچ‌گرایی را شعرایی دیگر سروده‌اند و آنچه که از عمر بن ابراهیم خیامی است، تعدادی رباعی در بی‌وفایی دنیا و زودگذر بودن سالیان عمر و فرسوده شدن همه طراوت‌ها و شادابی‌ها بوده است، معنایی وجود ندارد و اگر فرض کنیم شخصیت مورد تحقیق، همان عمر بن ابراهیم فیلسوف و ریاضی‌دان است که رباعیاتی مبتنی بر پوچ‌گرایی و لذت‌پرستی و بی‌اساس بودن هستی سروده، مسئله‌ای حل‌نشده درباره این شخصیت به وجود آمده است.^۱

محمد تقی جعفری

۱- لازم به ذکر است که تألیف این کتاب (تحلیل شخصیت خیام) در سال ۱۳۵۵ شمسی آغاز و پس از تجدید نظر، برای نخستین بار در سال ۱۳۶۴ شمسی منتشر شده است.